

برگزاری «جشن ادب» در هفت سالگی

توضیح: پیشتر پیشنهاد «قبل از "جشن تکلیف" باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته شود» در [راهکارهای بیان معنوی](#) منتشر شده بود، لیکن به دلیل درخواست کاربران برای جزئیات بیشتر، متن کامل تری بر اساس دیگر مباحث استاد پناهیان تنظیم شد که خدمتتان تقدیم می‌شود.

ضمناً شما می‌توانید گزارش و یا عکس‌هایتان از مراسم‌های «جشن ادب» فرزندانتان را برای انتشار در سایت «[بیان معنوی](#)» ارسال کنید.

تمرین ادب؛ اولین مرحله فراگیری مهارت مبارزه با نفس در کودکان

- «مبارزه با نفس» به معنای پاسخ منفی به برخی دل‌بخواهی‌ها و خواسته‌های نابجای نفس است که ما آن را تنها راه اصلاح نفس یا «[تنها مسیر](#)» برای رسیدن به زندگی و بندگی بهتر می‌دانیم. اولین مراحل مبارزه با نفس در کودکان با «فراگیری ادب و حیاء» آغاز می‌شود. (+)
- ادب را باید اولین برنامه مبارزه با نفس دانست که در صورت پایبندی به آن، موجب اصلاح انسان می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ادب خوب، عامل تزکیه اخلاق است؛ سَبَبُ تَزْكِيَةِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ الْأَدَبِ» (غررالحکم/ ۵۵۲۰) ادب نیز مانند مبارزه با نفس و تقوا، از جنس اجتناب و خویش‌نشنداری است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «خویش‌نشنداری (ایستادن در برابر خواهش نفس) در بیم و امید، از برترین ادبهاست؛ ضَبُطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ» (غررالحکم/ ۵۹۳۲) و (كَفَاكَ أَدْبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ نهج البلاغه/ حکمت ۴۱۲)

از هفت سالگی، زندگی کودکان در خانه باید توأم با نظم و مقررات باشد

- با توجه به روایات، اولین دوره آموزشی مبارزه با نفس برای فرزندان از سن هفت سالگی آغاز می‌شود. پدر و مادر باید از ۷ تا ۱۴ سالگی، رعایت «ادب» را به فرزندان خود آموزش بدهند تا بچه‌ها اصل مبارزه با هوای نفس را درک کنند و بدانند که باید با «دل‌می‌خواهد»‌های نابجای خودشان مبارزه کنند. لذا ما نام این دوران را «دوران ادب» می‌گذاریم.
- طبق دستور اسلام، ادب و نظم را از ۷ تا ۱۴ سالگی و در خانواده باید یاد گرفت، نه از ۱۸ سالگی و در دوران سربازی که امروزه برخی پسرها تنها در طول خدمت سربازی رعایت نظم و برخی آداب را تمرین می‌کنند؛ ۱۸ سالگی برای این منظور خیلی دیر است. (قَالَ الصَّادِقُ ع: دَعِ ائِنَّكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنٍ يَنْ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ اَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَاِنْ اَفْلَحَ وَ اِلَّا فَاِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ؛ مِنْ لَاحِظَةِ الْفَقِيهِ ۳/ ۴۹۲) و (قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: يُرَبَّى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَحْدَمُ سَبْعًا؛ مِنْ لَاحِظَةِ الْفَقِيهِ ۳/ ۴۹۳)
- در دوران ادب، زندگی کودک باید توأم با نظم و مقررات (و از این لحاظ تا حدودی شبیه پادگان) باشد تا در این محیط، رعایت نظم و ادب را یاد بگیرد. او باید کارهایی مثل مرتب کردن وسایل شخصی و محل زندگی، رعایت وقت خواب و بیدار شدن، احترام به بزرگتر و خیلی از آداب را در این سال‌ها رعایت کند تا بفهمد که دنیا جای راحت‌طلبی و بی‌مبالاتی نیست.
- پدر و مادرها نباید از سر دلسوزی‌های بی‌جا و به خاطر اینکه رعایت کردن این آداب، برای فرزندان کمی سخت است، او را از این کارها معاف کنند. باید بدانند که این سختی‌ها در ذات زندگی دنیا وجود دارد و این مخالفت با هوای نفس برای رشد و تربیت

فرزندشان لازم و ضروری است. البته آموختن مقررات و الزام کودکان به نظم باید توأم با مهربانی و نشاط باشد. و برای اینکه نظم‌پذیری برای فرزندان آسان شود باید پدر و مادر، خودشان در این زمینه الگو باشند.

دوران ادب، زمان بارش دستورهای مهربانانه است

- در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «فرزند شما تا هفت سال آقای شماسست و باید آقایی کند. و هفت سال عبد است؛ **الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ**» (وسائل الشیعه/۱/۴۷۶) درست است که ما همیشه عبد خدا هستیم ولی عبد دیگران نیستیم، منتها بچه هفت سال عبد پدر و مادر است یعنی باید مانند یک عبد در مقابل ارباب قرار بگیرد. البته پدر و مادر هم باید مانند یک ارباب مهربان باشند و دستوراتشان را با نرمش و مهربانی به بچه بگویند، ولی بچه باید همان‌طور که یک سرباز از فرمانده خودش اطاعت می‌کند، از آنها اطاعت کند.
- از هفت تا چهارده سالگی دوران بارش دستورهای منطقی و مهربانانه بر روی فرزند است. و بعد از چهارده سالگی پدر و مادر باید از این دستور دادن دست بردارند. حضرت در ادامه روایت فوق می‌فرماید: **«وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند در هفت سال بعدی، وزیر است»** (همان) در هفت سال سوم، پدر و مادر دیگر به فرزند خود دستور نمی‌دهند بلکه باید به او مشورت بدهند. یعنی پدر و مادر نقش مشاور را دارند و اگر هم بر رفتارهای فرزند خود نظارت دارند، این نظارت هم حالت مشورتی دارد.

قبل از «جشن تکلیف» باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته شود

- تا قبل از هفت سالگی، زیاد نباید بچه را زیر بار امر و نهی جدی قرار دهیم، البته نصیحت و توصیه خوب است ولی نباید یک فشار روانی به بچه وارد کنیم، بلکه بیشتر باید با رفتار و اعمال خودمان او را به کارهای خوب سوق دهیم. اما کمی قبل از هفت سالگی، باید به تدریج فرزند خودمان را برای آغاز یک دوران جدید از زندگی آماده کنیم؛ دورانی که بچه باید دستورهای یا برنامه‌های مشخصی را اجرا کند. مثلاً اگر یک جایی (مثل اتاق یا وسایل شخصی خودش) را مرتب نکرده است، به او بگوییم: «ببین! اینجا را مرتب نکرده‌ای، ولی اشکالی ندارد، فعلاً خودم مرتب می‌کنم، ولی از هفت سالگی (از چند ماه دیگر) باید اتاق را خودت مرتب کنی...»
- بنده پیشنهاد می‌کنم که یک جشنی در هفت سالگی برای آغاز ورود فرزندمان به دوران ادب، بگیریم؛ چیزی شبیه به جشن تکلیف که معمولاً گرفته می‌شود. البته الان جشن آغاز مدرسه هم وجود دارد که در اولین روز حضور بچه‌ها در مدرسه برگزار می‌شود، ولی این «جشن ادب» باید در خانه اتفاق بیفتد. تا بچه‌ها در خانه متوجه شوند که یک مرحله جدیدی در زندگی آنها شروع شده است.
- مثلاً بعد از این جشن که احتمالاً چند نفر هم دعوت شده‌اند، در حضور آنها، بچه را بیاوریم و به او بگوییم: «حُب، از این به بعد وسایل خودت، یا رخت و لباس خودت را چگونه می‌خواهی مرتب کنی؟ و...» بالاخره باید بچه را با رعایت ادب و اجرای یک آیین‌نامه مشخص در سختی‌ها و آسودگی‌ها آشنا کنیم، منتها باید این رفتارهای سخت و خشک را با شیرینی و مهربانی به فرزندمان پیشنهاد بدهیم؛ نه با تلخی و خشونت. ممکن است خود ادب ماهیت تلخی داشته باشد ولی ما باید آن را با شیرینی و لطافت به فرزند خودمان یاد بدهیم.

بچه از هفت سالگی فطرتاً آمادگی پذیرش دستور را دارد

- از هفت سالگی باید یک‌سری امر و نهی‌ها به بچه داشته باشیم و حتی نیازی هم نیست که برای امر و نهی خودمان دلیل بیاوریم، بلکه می‌گوییم: «این یک دستور است» البته این اوامر و دستورها، باید با مهربانی پدر و مادر توأم باشد.
- بچه از هفت سالگی فطرتاً آمادگی پذیرش دستور را دارد، و این آمادگی بیش از حد تصور ماست. نه تنها دستور را می‌پذیرد بلکه از دستور لذت می‌برد. به حدی که اگر به او دستور ندهی، بی‌هویت می‌شود و خودش را گم می‌کند. بچه در این سن، فطرتاً دنبال دستور می‌گردد. شما اگر به دانش‌آموزان دبستانی نگاه کنید این واقعیت را می‌بینید و حتی معلم‌ها گواهی می‌دهند که بچه‌ها در این سن، استعداد دستورپذیری بالایی دارند، مگر اینکه یک کسی آنها را خراب کند. مثلاً پدر و مادر اعتراض کنند و بگویند: «چرا به بچه من دستور می‌دهید؟!»
- دین مطابق فطرت است، لذا وقتی که گفته است بچه از هفت سالگی باید ضابطه‌مند شود، یعنی فطرتاً ضابطه‌مندی را دوست دارد و ما فقط باید فطرت او را بیدار کنیم. شما اگر یک‌بار بچه را با روش درست به دستورپذیری ترغیب کنید یا بچه‌هایی که دستورات را دقیق اجرا می‌کنند را تشویق کنید، دیگر لازم نیست برای دستورات خودتان در مقابل بچه، دلیل بیاورید. چون آن حس دستورپذیری در بچه بیدار می‌شود و خودش طبق فطرت خودش به دنبال دستور خواهد بود. باید بدانیم که این دوران، دورانی نیست که بخواهیم به‌خاطر دستورات خودمان زیاد برای بچه دلیل بیاوریم.
- بچه خیلی از اوقات دنبال دلیل نیست، بلکه می‌خواهد با نوع دستور آشنا شود. ما باید آهنگ زندگی بچه را طوری کوک کنیم که او آمادگی دستورپذیری را داشته باشد، در این صورت هم‌آهنگ با این فضایی که ایجاد کرده‌ایم، بچه ما دستوری مثل «نماز» را هم به راحتی اجرا خواهد کرد. ولی اگر فضای زندگی بچه را درست شکل نداده باشیم و در این فضا هیچ دستوری وجود نداشته باشد (ما از قبل هیچ دستوری به بچه نداده باشیم) یک‌دفعه‌ای یک دستور الهی به نام «نماز» می‌آید و بچه نمی‌تواند به راحتی این دستور را بپذیرد، چون با سایر بخش‌های زندگی او تناسب ندارد. ولی اگر در هفت سالگی، جشن ادب گرفتیم، و او را در این فضا قرار دادیم، پذیرش دستور الهی هم برایش راحت خواهد بود.

ادب یعنی رفتار ضابطه‌مند؛ رفتاری که بر اساس «دلم می‌خواهد» نباشد

- امام صادق (ع) می‌فرماید: «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند، ادب است؛ إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ» (کافی/۸/۱۵۰) ادب یعنی رفتار ضابطه‌مند؛ رفتاری که بر اساس «دلم می‌خواهد» نباشد. ادب یک رفتار قشنگ است که بر اساس ضابطه و آیین‌نامه باشد.
- خیلی از اوقات ما برای آدابی که رعایت می‌کنیم، دلیلی نداریم، همین‌که بدانیم ادب است، آن را رعایت می‌کنیم. مثلاً در نحوه «سلام و علیک» با دیگران، هر کسی در هر قوم و قبیله‌ای، یک آدابی دارد که آن را رعایت می‌کند و به آن احترام می‌گذارد. این نوع رفتارهای مؤدبانه را بچه از هفت سالگی آمادگی دارد که بپذیرد. لذا خیلی راحت می‌توان به این بچه گفت: «نماز، ادب ایستادن در مقابل خداوند است»

رعایت ادب برای بچه‌ها شیرین است

- اگر بچه‌ها فلسفه ادب را در زندگی درک نکرده باشند و در هفت سالگی پدر و مادرها برای آنها جشن ادب نگرفته باشند باید ابتدا فلسفه رعایت ادب را به آنها گفت. باید به آنها گفت که همه زندگی با دوست داشتن و «دل‌م می‌خواهد» پیش نمی‌رود. رعایت ادب انسان را بزرگ می‌کند.
- اگر بچه‌ها از تلویزیون یک رژه نظامی را ببینند حتماً لذت می‌برند. اصلاً یکی از مشاغلی که بچه‌ها از ابتدا دوست دارند به سمت آن بروند، پلیس بودن است. چون نظم آن را دوست دارند. بچه‌ها از یله و رها بودن لذت نمی‌برند. با نشان دادن رژه نظامی می‌توانیم شکوه ادب را به فرزندان خود منتقل کنیم. بعد از آن بگوییم که نماز خواندن مقابل خداوند رعایت ادب است. رعایت ادب برای بچه شیرین است و باید از هفت سالگی این کار را شروع کنیم. حتی اگر بعداً هم خواستیم این کار را انجام دهیم، باید نواقص موجود را جبران کنیم. از طرف دیگر هم سعی کنیم که محبت خدا را در دل بچه ایجاد کنیم. در این صورت بچه دوست دارد به صورت مضاعف در برابر خدا ادب را رعایت کند. اگر محبت خدا در دل بچه ایجاد نشد، حداقل رعایت ادب را در دل او انداخته‌ایم. با این کار به او یاد می‌دهیم که در جریان زندگی، در چه مکان‌هایی باید ادب را رعایت کند. مثلاً وقتی بچه‌ها می‌بینند که معلم در برابر مدیر مدرسه، مؤدبانه می‌ایستد لذت می‌برند. از همین چیزها الهام می‌گیرند که نماز خواندن نیز به همین صورت است.

جشن ادب تا حد زیادی می‌تواند موفقیت جشن تکلیف را افزایش دهد

- اگر ما بدون اینکه در هفت سالگی و در آغاز دوران ادب، برای فرزندان جشن ادب بگیریم (بدون اینکه او را مؤدب بار بیاوریم) در آغاز سن تکلیف مستقیم به سراغ برگزاری «جشن تکلیف» برای فرزندانمان برویم، ممکن است این کار با موفقیت روبرو نشود. چون با این کار، یک‌باره فرزند خود را -در سن نه یا چهارده سالگی- با دستورات الهی مواجه می‌کنیم. اگر ما در سن هفت سالگی برای او جشن ادب بگیریم، متوجه می‌شود که وارد فضای زندگی مودبانه و پُر از دستور شده است. آن وقت به راحتی می‌پذیرد که یکی از این دستورات، «نماز» است که ما برای آن جشن تکلیف می‌گیریم. جشن ادب می‌تواند تا حدود ۵۰ درصد، موفقیت جشن تکلیف را افزایش دهد.

بعضی‌ها بعد از ۱۴ سالگی تازه می‌خواهند به فرزند خود دستور بدهند ولی او دیگر حرف‌شنوی ندارد

- الان خیلی از خانواده‌ها این مشکل را دارند که بعد از چهارده سالگی تازه می‌خواهند به فرزند خود دستور بدهند ولی فرزند دیگر دستور نمی‌پذیرد؛ چون خانواده‌ها این سیر تربیت فرزند را به درستی طی نکرده‌اند. یعنی پدر و مادر در هفت سال اول، با کودک خودشان آن‌طور که باید، مهربانانه برخورد نکرده‌اند. در هفت سال دوم نیز زندگی مودبانه را به فرزند خود آموزش نداده‌اند و بارش دستورها را بر روی فرزند خود انجام نداده‌اند. حالا بعد از چهارده سالگی می‌خواهند این مسأله را جبران کنند، اما فرزند آنها دیگر حرف‌شنوی ندارد. چون بچه‌ها از ۱۴ سالگی به بعد دوست ندارند حرف‌شنوی داشته باشند. بلکه دوست دارند به آنها مشورت داده شود.
- این دوران تربیت خاص (یعنی از ۷ تا ۱۴ سالگی) هم آغاز دارد و هم انتها. انتهای این دوران هم باید مشخص باشد. یعنی از همان اول باید بگوییم که این دوران فقط هفت سال است. مخصوصاً اگر دیدیم که این دوران برای بچه سخت است صریحاً به او بگوییم: «این دوران هفت سال بیشتر نیست» ولی بعد از این هفت سال (اگر به درستی طی شود) آن قدر بچه متعادل خواهد شد که حتی اگر به او دستور هم ندهیم، خودش اجرا می‌کند.

دوران ادب، دوران مقابله با راحت‌طلبی است

- بسیاری از اوقات، جوان‌ها خودشان را اهل حب دنیا نمی‌دانند و می‌گویند: «ما حب مال یا حب جاه نداریم! اصلاً ما حب‌الدنیا نداریم!» و خیلی‌ها هم هستند که جوان‌ها را باصفا می‌دانند. بله، واقعاً جوان‌ها فی‌نفسه، باصفا تر از مسن‌ها هستند، ولی یکی از مهمترین صفات بد دنیاطلبانه، که می‌تواند در جوان‌ها رواج داشته باشد- حتی در جوان‌های به ظاهر خوب که اهل بی‌بند و باری نیستند- راحت‌طلبی است.
- جوان وقتی که خودش را لذت‌پرست نمی‌داند، لذا خودش را بچه خوبی می‌داند. وقتی خودش را شهوت‌ران نمی‌داند، و می‌بیند که دنبال هرزگی نمی‌رود، لذا خودش را بچه خیلی خوبی می‌داند. اما وقتی دقت می‌کنی، می‌بینی راحت‌طلبی در او موج می‌زند.
- وقتی ما جلوی راحت‌طلبی خودمان را نگرفتیم، جلوی شهوت‌پرستی خودمان را هم نمی‌گیریم. بسیاری از خانواده‌های مذهبی، گله‌مند هستند از اینکه: «بچه ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می‌خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می‌جنبد، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی‌پوشد و دارد بداخلاقی می‌کند...» وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم در این خانواده پدر و مادر از هفت تا چهارده سالگی، فرصت داشته‌اند که این بچه را از راحت‌طلبی جدا کنند. اما چون بچه را دوست دارند، می‌گویند: بگذار فعلاً بچه‌ام «راحت» باشد! بچه از مدرسه آمده، مادر می‌گوید «بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایش را برایش آماده کنم...» یعنی با راحت‌طلبی بچه مخالفت نکرده است. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده است.

مخالفت با راحت‌طلبی، مقدمه مخالفت با شهوات است

- بچه‌ای که از هفت تا چهارده سالگی، ادب نشده باشد و با راحت‌طلبی خودش مخالفت نکرده باشد، بلکه راحت‌طلبی بیشتر برایش جا افتاده باشد، الان یک دفعه‌ای می‌خواهید به او بگویید «با شهوات خودت مخالفت کن!» خُب او طبیعتاً قبول نمی‌کند. یا وقتی که به او می‌گویید «بیا نماز بخوان» او قبول نمی‌کند. چرا؟ آیا ایمان ندارد؟ نه؛ ایمان دارد. آیا محبت به اهل بیت(ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد. مثلاً می‌بینید که محرم‌ها برای امام حسین(ع) کم نمی‌گذارد، اما کاهل‌نمازی می‌کند. یا به سوی گناه دست‌درازی می‌کند.
- حالا این مسأله(لذت‌گرایی یا شهوت‌طلبی جوان) را چه‌طور باید کنترل کرد؟ الان دیگر برای خود جوان هم سخت شده است که با گناه و با شهوات مبارزه کند؛ یکی از دلایل اساسی‌اش این است که از هفت تا چهارده سال، کسی او را ادب نکرده است. احتمالاً پدر و مادرش گفته‌اند: «حالا بچه خوبی است، بگذار طبق میل خودش رفتار کند، فعلاً که کار بدی انجام نمی‌دهد، گناه یا جنایت خاصی که انجام نمی‌دهد...»
- باید قبل از اینکه در چهارده سالگی برای بچه‌ها «جشن تکلیف» گرفته شود- که البته سنت خوبی است- در هفت سالگی برای بچه‌ها «جشن ادب» گرفته شود و پدر و مادرها در این دوران(از ۷ تا ۱۴ سالگی) مسئولیت‌ها و دستوراتی را به بچه بدهند و او را با منطق و محبت، از آن راحتی قبل از هفت سالگی جدا کنند.

- بچه در این دوران باید اهل مبارزه با راحت طلبی شود و بداند که دیگر زندگی به آن راحتی‌ها نیست و الا حتی یک بچه خوب، در خانواده خوب، با علائق خوب، با ایمان نسبتاً خوب و معمولی، بعد از چهارده سالگی دیگر نمی‌تواند جلوی شهوات خودش را بگیرد چون قبلاً با راحت طلبی خودش مقابله نکرده است.

منابع

- [دیدگاهها: تمرین ادب، اولین مرحله از فراگیری مهارت مبارزه با نفس در کودکان](#)
- [جشن ادب: سخنرانی در بیت رهبری، حسینیه امام خمینی\(ره\)، ایام فاطمیه، فرودین ۱۳۹۳](#)
- [جشن ادب: برنامه سمت خدا، انتقال مفاهیم دینی به فرزندان، سال ۹۰، جلسات ۴ و ۵](#)

مطالب مرتبط

- [نفس ادب در تربیت اسلامی](#)
- [فرهنگ ادب](#)
- [طرح های گرافیکی شما | فرهنگ ادب](#)
- [همکاری برای تکمیل «بانک پیشنهادها و راهکارها»ی برگرفته از مباحث استاد پناهیان](#)

